

جلسات ستره محکمه:

ماده بیست و پنجم:

(۱) ستره محکمه در هر پانزده روز جلسه عادی را دایر می نماید.

جلسات فوق العاده ستره محکمه بر اساس تقاضای رئیس ستره محکمه، پیشنهاد لوی څارنوال یا مطالبه یک ثلث اعضای آن دایر شده می تواند.

(۲) نصاب جلسات ستره محکمه با حضور دو ثلث اعضای آن تکمیل می گردد، تصامیم به اکثریت آرای اعضای حاضر در جلسه اتخاذ میگردد مگر اینکه در این قانون طوری دیگری پیشبینی گردیده باشد.

(۳) لوی څارنوال و در غیاب وی معاون که به وی تفویض صلاحیت شده است، به ارتباط موضوعات جزائی در جلسات ستره محکمه اشتراک می نماید.

(۴) در موارد مندرج اجزای (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۸) ماده بیست و چهارم این قانون، تصامیم به اکثریت دو ثلث کامل اعضای ستره محکمه اتخاذ می گردد.

نقض فیصله محکمه تحتانی:

ماده بیست و ششم:

(۱) هر گاه دیوان ستره محکمه حین رسیدگی فیصله مورد اعتراض دریابد که فیصله محکمه تحتانی در مخالفت با قانون یا خطا در تطبیق یا تأویل آن صادر گردیده، فیصله را نقض و غرض صدور حکم به محکمه تحتانی ارجاع میدارد.

دیوان ستره محکمه می تواند در صورت ملاحظه موارد نقض در فیصله، گرچه در اعتراض معترض به آن تصریح نشده باشد نیز آنرا نقض نماید.

(۲) در صورتیکه خطا در تطبیق قانون یا خطا در تأویل آن در نتیجه فیصله مؤثر نبوده و حکم اساساً صحیح و موافق قانون باشد، دیوان مربوط می تواند آنرا تأیید نماید.

ارجاع به سبب بطلان:

ماده بیست و هفتم:

(۱) هر گاه دیوان ستره محکمه فیصله مورد اعتراض را به سبب بطلان در حکم یا بطلان در اجراءات اساسی مؤثر در حکم، نقض نماید، قضیه را با ذکر صریح دلایل آن به محکمه مربوط ارجاع میدارد، در حالت ارجاع قضیه به محکمه اولی، صدور حکم توسط قضاتی که اکثریت غیر از قضات اولی باشند، صورت میگیرد.

(۲) هرگاه بر حکم صادره از محکمه که دعوی به آن ارجاع شده، بار دوم اعتراض صورت بگیرد و اعتراض بر مبنای همان علل و اسباب باشد و محکمه مرجوع الیه حکم قبلی را که در دیوان ستره محکمه نقض گردیده بود، با همان دلایل اولی حکم نموده باشد، ستره محکمه موضوع را تحت غور و رسیدگی قرار میدهد، در صورتیکه حکم مورد اعتراض به اکثریت آراء از طرف ستره محکمه نقض گردد، رسیدگی و اصدار حکم توسط محکمه صورت می گیرد که حکم منقوضه از طرف ستره محکمه به آن ارجاع شده است، در این صورت محکمه مرجوع الیه مکلف به رعایت مفاد قرار رهنمودی ستره محکمه بوده و حکم صادره آن قطعی میباشد.

وجوب تعمیم احکام و قرارها:

ماده بیست و هشتم:

احکام و قرارهای محاکم فوقانی در مورد رسیدگی مجدد قضایا بر محاکم تحتانی واجب التعمیل میباشد.

وظایف و صلاحیت های اداری ستره محکمه:

ماده بیست و نهم:

(۱) ستره محکمه در امور اداری مربوطه دارای وظایف و صلاحیت های آتی می باشد:

- ۱- ترتیب بودجه قوه قضائیه به مشوره حکومت.
- ۲- رهبری و مراقبت از فعالیت های ادارات محاکم.
- ۳- وضع مقرره ها و لوایح به منظور تنظیم امور قضائی و اداری محاکم.
- ۴- بررسی نتیجه تدقیق و مطالعات امور قضایی و اتخاذ تدابیر به منظور رفع نواقص و توحید و انسجام اجراءات محاکم.
- ۵- پیشنهاد تعیین قضات و مستشاران به مقام ریاست جمهوری مطابق به احکام این قانون.
- ۶- پیشنهاد تقرر، تبدل، ترفیع، تمدید خدمت و تقاعد قضات مطابق احکام این قانون.
- ۷- پیشنهاد تأسیس محاکم و ادارات ثبت اسناد و وثایق و تعیین صلاحیت های قضائی و اداری آنها بمقام ریاست جمهوری.
- ۸- تطبیق بودجه قوه قضائیه.

۹- تأمین تسهیلات لازم به منظور پیشبرد فعالیت محاکم.

۱۰- تدویر کورس سناژ قضائی و تنظیم امور مربوط به آن.

۱۱- اتخاذ تدابیر مقتضی برای ارتقاء سطح دانش و تجارب قضات.

۱۲- نظارت از اجراءات و فعالیتهای سایر کارکنان اداری قوه قضائیه.

۱۳- تهیه احصائیه سالانه و گزارش از فعالیت های تمام محاکم در بخش قضائی.

۱۴- سایر وظایف و صلاحیتهای که درین قانون و قوانین دیگر به ستره محکمه تفویض گردیده است.

(۲) صلاحیت های مندرج فقره (۱) این ماده از طریق آمریت عمومی اداری قوه قضائیه اعمال میگردد.

صلاحیت های رئیس ستره محکمه:

ماده سی ام:

رئیس ستره محکمه ممثل قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان بوده، دارای صلاحیتهای ذیل میباشد:

۱- رهبری عمومی فعالیتهای قضائی و اداری ستره محکمه.

۲- ریاست از جلسات ستره محکمه.

۳- عندالافتضاء ریاست جلسات قضائی دیوانهای مربوط ستره محکمه.

۴- اصدار امر مبنی بر تفتیش فعالیت های محاکم.

۵- اصدار امر مبنی بر رسیدگی قضایای ناشی از جرایم و تخلفات قضائی و اداری قضات.

۶- نظارت بر تطبیق فیصله های قطعی محاکم.

۷- نظارت و مراقبت از تطبیق سالم بودجه قوه قضائیه.

۸- تفویض تمام یا برخی از صلاحیتهای خود در حالت مریضی، رخصتی، غیابت و سایر علل به یکی از اعضای ستره محکمه.

۹- نظارت بر فعالیت آمریت عمومی اداری قوه قضائیه.

۱۰- ارائه گزارش اجراءات قضائی و اداری قوه قضائیه به رئیس جمهور.

۱۱- پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات محاکماتی و تأدیبی قضات به مقام ریاست جمهوری.

۱۲- سایر صلاحیت های مفوضه بر طبق احکام این قانون و قوانین دیگر.

فصل سوم

تشکیل، ترکیب و صلاحیت محاکم استیناف

تشکیل محکمه استیناف:

ماده سی و یکم:

- (۱) محکمه استیناف در سطح هر ولایت کشور طبق احکام این قانون ایجاد میگردد.
- (۲) محکمه استیناف مرکب از رئیس، رؤسای دیوانها و اعضای قضائی میباشد.
- رئیس محکمه استیناف از میان قضائی تعیین می گردد که دارای اهلیت، تجربه و درایت کامل باشد.
- (۳) رئیس دیوان جزای عمومی معاون ریاست محکمه استیناف میباشد.

ترکیب دیوان های محاکم استیناف:

ماده سی و دوم:

- (۱) محاکم استیناف دارای دیوان های آتی میباشد:
 - ۱- دیوان جزای عمومی.
 - ۲- دیوان امنیت عامه.
 - ۳- دیوان مدنی و احوال شخصیه.
 - ۴- دیوان حقوق عامه.
 - ۵- دیوان تجارتي.
 - ۶- دیوان اطفال.
- (۲) تعداد اعضای قضائی در هر دیوان محکمه استیناف از شش نفر بیشتر بوده نمیتواند.
- (۳) قضایای ترافیکی را دیوان جزای عمومی استیناف رسیدگی مینماید.
- (۴) ستره محکمه می تواند عندالضرورت دیوان های دیگری را در چوکات محاکم استیناف بعد از منظوری رئیس جمهور ایجاد نماید.

رسیدگی فیصله ها و قرارها:

ماده سی و سوم:

(۱) محکمه استیناف فیصله ها و قرارهای محاکم تحتانی را که مورد اعتراض قرار گرفته، در احوال و ترتیبی که در این قانون و قوانین مربوط تصریح گردیده، در مرحله استینافی رسیدگی می نماید.

(۲) محکمه استیناف حین رسیدگی قضایای مندرج فقره (۱) این ماده، تمام حالات و کوائف دعوی را مجدداً تحت غور قرار داده، فیصله ها و قرارهای محاکم تحتانی را می تواند طبق احکام قانون تصحیح، نقض، تعدیل، تائید یا لغو نماید.

رفع اختلافات صلاحیت قضائی:

ماده سی و چهارم:

(۱) هر گاه در مورد صلاحیت رسیدگی یک قضیه جزائی بین دو محکمه که در حوزه قضائی محکمه استیناف قرار دارند، اختلاف بروز نماید، حل اختلافات و تشخیص محکمه ذیصلاح توسط هیئتی مرکب از رؤسای دیوان ها، تحت اثر رئیس محکمه استیناف صورت می گیرد.

(۲) تعیین سرنوشت متهم تحت توقیف در حالت مندرج فقره (۱) این ماده از صلاحیت محکمه استیناف میباشد.

قطعیت فیصله ها و قرارها:

ماده سی و پنجم:

فیصله ها و قرارهای محاکم استیناف در تمام قضایای شامل صلاحیت قطعی میباشد.

وظایف و صلاحیت های رئیس محکمه استیناف:

ماده سی و ششم:

رئیس محکمه استیناف دارای وظایف و صلاحیت های آتی میباشد:

- ۱- رهبری و تنظیم فعالیت محاکم و دیوان های مربوط.
- ۲- ریاست جلسات قضایی دیوان ها عندالاقضاء.
- ۳- توظیف مؤقت عضو یک دیوان به دیوان دیگر.
- ۴- توظیف یکی از قضات محکمه استیناف به محاکم ابتدائیه در صورت ضرورت.
- ۵- تفویض صلاحیت رسیدگی قضیه از یک دیوان به دیوان دیگر عندالاقضاء.

۶- توحید تجارب قضائی دیوانهای مربوط.

۷- ارائه گزارش از فعالیت محاکم و دیوان های مربوط به ستره محکمه.

رهبری جلسات:

ماده سی و هفتم:

رؤسای دیوان های محکمه استیناف جلسه دیوان های مربوطه را رهبری می نمایند. در صورتیکه رئیس محکمه استیناف، جلسه قضائی دیوان را رهبری نماید، درین حالت رئیس دیوان، عضو دیوان مربوط پنداشته میشود.

مسئولیت:

ماده سی و هشتم:

رئیس محکمه استیناف، رؤسای دیوان ها و قضات آن از کیفیت، میعاد رسیدگی قضایا، صحت تطبیق قانون و مدلل بودن فیصله ها و قرارهای صادره خویش مسئولیت دارند.

شعبات محکمه استیناف:

ماده سی و نهم:

ریاست محکمه استیناف و دیوان های مربوط دارای کارکنان و شعبات اداری میباشند که وظایف و طرز فعالیت شان در لوایح جداگانه تنظیم می گردد.

فصل چهارم

تشکیل، ترکیب و صلاحیت محاکم ابتدائیه

تشکیل:

ماده چهارم:

(۱) محاکم استیناف در حوزه قضائی مربوط دارای محاکم ابتدائیه به ترتیب آتی می باشند:

۱- محکمه ابتدائیه مرکز ولایت.

۲- محکمه اطفال.

۳- محکمه ابتدائیه تجارته.

۴- محکمه ابتدائیه ولسوالیه.

۵- محکمه ابتدائیه احوال شخصیه.

(۲) در مراکز ولایاتیکه به محاکم ابتدائیه بیشتری ضرورت احساس شود، ستره محکمه میتواند بعد از منظوری رئیس جمهور به تأسیس آن اقدام نماید.

ترکیب محاکم ابتدائیه:

ماده چهل و یکم:

(۱) محاکم ابتدائیه مراکز ولایات دارای دیوان های ذیل میباشند:

۱- دیوان جزای عمومی.

۲- دیوان مدنی.

۳- دیوان حقوق عامه.

۴- دیوان امنیت عامه.

۵- دیوان جرایم ترافیکی.

(۲) دیوان های محکمه ابتدائیه مرکز مرکب از رئیس و حد اکثر چهار عضو میباشند.

رسیدگی قضایا توسط دیوانهای محاکم ابتدائیه:

ماده چهل و دوم:

محاکم ابتدائیه مراکز ولایات قضایای ذیل را توسط دیوانهای مربوط در مرحله ابتدائی طبق احکام قانون رسیدگی می نماید:

- ۱- رسیدگی قضایای مربوط به جزای عمومی توسط دیوان جزای عمومی.
- ۲- رسیدگی به دعاوی مدنی بین اشخاص حقیقی توسط دیوان مدنی.
- ۳- رسیدگی قضایای مدنی متنازع فیه بین اشخاص حقیقی و حکمی یا بین اشخاص حکمی توسط دیوان حقوق عامه.
- ۴- رسیدگی قضایای جزائی مربوط به امنیت و منفعت عامه، قاچاق مواد مخدر و سایر جرایم مطابق احکام قانون توسط دیوان امنیت عامه.
- ۵- رسیدگی قضایای جزائی مربوط به حادثات ترافیکی توسط دیوان جرایم ترافیکی.

رهبری محکمه و دیوانها:

ماده چهل و سوم:

- (۱) در رأس محکمه ابتدائیه مرکز ولایت رئیس قرار دارد که رهبری و تنظیم فعالیت های قضائی و اداری دیوانها را به عهده داشته و عنداللزوم در جلسات آنها شرکت می نماید.
- (۲) رؤسای دیوانهای محکمه ابتدائیه جلسات دیوانهای مربوط را رهبری می نمایند.
- در صورتیکه رئیس محکمه ابتدائیه، جلسه قضائی دیوان را رهبری نماید، درین حالت رئیس دیوان، عضو دیوان مربوط پنداشته میشود.
- (۳) رئیس دیوان جزای عمومی در عین حال معاون رئیس محکمه ابتدائیه مرکز میباشد.

محکمه اطفال:

ماده چهل و چهارم:

- (۱) در مرکز هر ولایت یک محکمه ابتدائیه اطفال ایجاد می گردد.
- (۲) محکمه ابتدائیه اطفال متشکل از رئیس و چهار عضو می باشد.
- در صورتیکه رئیس بنابر علی غایب باشد، وظایف و صلاحیت های وی به یکی از اعضای که دارای سابقه بیشتر قضائی باشد، تفویض می گردد.

(۳) طرز رسیدگی به تخلفات اطفال توسط قانون خاص تنظیم می گردد.

محکمه ابتدائیه تجارته:

ماده چهل و پنجم:

(۱) در مرکز هر ولایت یک محکمه ابتدائیه تجارته ایجاد می گردد. محکمه تجارته مرکب از رئیس و چهار عضو میباشد.

(۲) در مراکز ولایاتیکه محکمه ابتدائیه تجارته موجود نباشد، رسیدگی به قضایای تجارته از صلاحیت دیوان مدنی محکمه ابتدائیه مرکز ولایت می باشد.

رسیدگی به قضایای اختصاصی:

ماده چهل و ششم:

رسیدگی به قضایای تجارته، حقوق عامه و امنیت عامه در داخل حوزه قضائی محکمه استیناف بر حسب مورد در محکمه ابتدائیه تجارته و دیوان های مربوط محکمه ابتدائیه مرکز ولایت صورت می گیرد.

ترکیب محکمه ابتدائیه ولسوالی:

ماده چهل و هفتم:

(۱) محکمه ابتدائیه ولسوالی مرکب از رئیس و دو عضو میباشد. در ولسوالی های که اعضاء موجود نباشد، رسیدگی به قضایا توسط کمتر از سه نفر قاضی صورت گرفته میتواند.

(۲) در رأس محکمه ابتدائیه ولسوالی رئیس قرار دارد، در صورتیکه رئیس بنابر علی غایب باشد، وظایف و صلاحیت های وی از طرف یکی از اعضاء که دارای سابقه بیشتر قضائی باشد، اعمال می گردد.

صلاحیت محکمه ابتدائیه ولسوالی:

ماده چهل و هشتم:

محکمه ابتدائیه ولسوالی تمام قضایای جزائی عادی، مدنی و احوال شخصیه را که با رعایت احکام قانون در پیشگاه آن اقامه میگردد، در مرحله ابتدائی رسیدگی می نماید.

توظیف قاضی مؤقت:

ماده چهل و نهم:

در حالت مندرج ماده چهل و هشتم این قانون هر گاه محکمه دارای یک نفر قاضی باشد، یا حالات دیگری ظهور کند که ایجاب توظیف قاضی مؤقت را نماید، رئیس محکمه استیناف صلاحیت دارد که یکی از قضات محکمه استیناف را مؤقتاً توظیف نماید.

ایجاد دیوان های ضروری:

ماده پنجاهم:

(۱) ستره محکمه می تواند عندالضرورت دیوان های دیگری را در چوکات محاکم ابتدائیه مراکز ولایات بعد از منظوری رئیس جمهور ایجاد نماید.

(۲) ستره محکمه می تواند عندالضرورت دیوانهای را در چوکات محاکم ابتدائیه ولسوالی ها بعد از منظوری رئیس جمهور ایجاد نماید.

طرز رسیدگی جرایم متعدد:

ماده پنجاه و یکم:

(۱) متهم در محکمه محاکمه می شود که مطابق به احکام این قانون و سایر قوانین صلاحیت رسیدگی آنرا دارد. در صورتیکه شخص مرتکب جرایم متعددی گردد که از حیث صلاحیت تابع محاکم جداگانه باشد، رسیدگی به آن در محکمه صورت می گیرد که صلاحیت رسیدگی شدیدترین جرم را دارد. در صورتیکه جرایم ارتكابی از لحاظ مجازات در یک درجه باشد، صلاحیت رسیدگی را محکمه دارد که رسیدگی به اتهامات وارده بر متهم را آغاز کرده است.

(۲) هر گاه شخص مرتکب جرایم متعددی گردد که از حیث صلاحیت تابع دو محکمه (اختصاصی و عمومی) باشد، صلاحیت رسیدگی آن را به اعتبار ماهیت جرم هر یک از محاکم مربوط دارا می باشد، در صورتیکه جرایم ارتكابی از نوع جرایم متعددی بوده که قابل تجزیه نباشد، رسیدگی به آن از صلاحیت محکمه می باشد که صلاحیت رسیدگی به جرم شدیدتر را دارد.

(۳) شرکاء و معاونین جرم در محکمه محاکمه می شوند که فاعل اصلی جرم در آن محاکمه می شود.

مسئولیت:

ماده پنجاه و دوم:

رئیس محکمه ابتدائیه، رؤسای دیوانها و اعضای قضائی آن از کیفیت، میعاد رسیدگی قضایا، صحت تطبیق قانون و مدلل بودن فیصله ها و قرارهای صادره خویش مسؤولیت دارند.

قطعیّت فیصله:

ماده پنجاه و سوم:

احکام صادره محاکم ابتدائیه در موارد آتی قطعی میباشد:

۱- قناعت طرفین دعوی به حکم صادره.

۲- انقضای میعاد استیناف طلبی.

۳- در صورتیکه ارزش مدعی بها الی یکصد هزار افغانی باشد.

۴- حکم به مجازات نقدی الی پنجاه هزار افغانی.

۵- سایر مواردی که در قوانین پیشبینی گردیده است.

شعبات اداری:

ماده پنجاه و چهارم:

محاکم ابتدائیه دارای کارکنان و شعبات اداری بوده که وظایف و طرز فعالیت آنها در لوائح جداگانه تنظیم می گردد.

ادارات ثبت اسناد و وثایق:

ماده پنجاه و پنجم:

(۱) در حوزه قضائی هر محکمه استیناف اداره ثبت اسناد و وثایق ایجاد می گردد.

در رأس ادارات ثبت اسناد و وثایق رئیس قرار داشته که رهبری و تنظیم فعالیت های اداره را به عهده دارد.

(۲) رئیس و اعضای مسلکی ادارات ثبت اسناد و وثایق از جمله اشخاصی که صلاحیت قضائی دارند، تعیین میگردند.

(۳) در ولسوالی های که ادارات ثبت و اسناد و وثایق ایجاد نگردیده است، صلاحیت های مربوطه را محاکم ولسوالی ها دارا میباشدند.

(۴) وظایف و صلاحیت های ادارات ثبت اسناد و وثایق طبق قانون خاص تنظیم میگردد.

ثبت اسناد و علایم تجارتي:

ماده پنجاه و ششم:

ثبت اسناد و علایم تجارتي از صلاحیت محاکم ابتدائیه تجارتي میباشد.

ارائه گزارش:

ماده پنجاه و هفتم:

رؤسای محاکم ابتدائیه و ادارات ثبت و اسناد و وثایق مکلف اند از اجراءات خود به محکمه استیناف مربوط گزارش ارائه نمایند.

فصل پنجم

امور مربوط به قضات و کارکنان قوه قضائیه

شرایط انسلاک قضاء:

ماده پنجاه و هشتم:

(۱) شخص واجد شرایط ذیل به پیشنهاد رئیس ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور به حیث قاضی منسلک و تعیین می گردد:

- ۱- حین انسلاک حد اقل ده سال تابعیت جمهوری اسلامی افغانستان را دارا باشد.
- ۲- به موجب حکم قطعی محکمه ذیصلاح به جرم جنایت یا جنحه عمدی محکوم نشده باشد.
- ۳- سند تحصیلی لیسانس از پوهنخی های حقوق یا شرعیات و یا بالاتر از آن و یا سند تحصیلی مدارس دینی رسمی دولت یا معادل آنرا دارا باشد.
- ۴- مصاب به امراض ساری یا معیوبیتهای که مانع اجرای وظیفه گردد، نباشد.
- ۵- حین انسلاک در کادر قضاء سن بیست و پنج سالگی را تکمیل کرده باشد.
- ۶- دوره ستاژ قضائی را مؤفقا نه سپری نموده باشد.

(۲) شخص دارای سند تحصیلی مدارس دینی رسمی دولت و یا معاول آن با رعایت شرایط مندرج اجزای (۱)، (۲)، (۳)، (۴) و (۵) فقره (۱) این ماده برای سه سال اول بحیث عضو محکمه ابتدائیه مقرر شده میتواند.

(۳) هر گاه تعداد داوطلبان واجد شرایط بیشتر از حد ضرورت باشد، ستره محکمه می تواند شرایط اضافی را برای جذب و شمولیت داوطلب وضع نماید.

سوگند:

ماده پنجاه و نهم:

قاضی قبل از اشغال وظیفه در حضور رئیس و اعضای ستره محکمه سوگند آتی را به جا می آورد:

((سوگند یاد می کنم بنام خداوند(ج) بزرگ و دادگر که وظیفه قضاء را با کمال امانت، صداقت و بی طرفی اجراء و احکام شریعت اسلامی، قانون اساسی و قوانین کشور را احترام و تطبیق نموده، اسرار وظیفه را حفظ مینمایم، بصورت مستقیم یا غیر مستقیم به خیانت، حق تلفی، بی عدالتی، قانون شکنی و اخذ رشوت مبادرت نمی ورزم)).
متن تحلیف در لوحه نوشته شده، بعد از امضاء قاضی در محکمه که در آن اجرای وظیفه می نماید، تعلیق میشود.

تقرر و تبدل قضات:

ماده شصتم:

(۱) تقرر، تبدل، ترفیع، تمدید خدمت، تقاعد و رفع آن، اعطای موافقه و قبولی استعفای قضات بست اول و بالاتر از آن به اساس پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور صورت می گیرد.

(۲) تقرر، تبدل، ترفیع، تمدید خدمت، تقاعد و رفع آن، اعطای موافقه و قبولی استعفای قضات بست دوم و پایینتر از آن به اساس پیشنهاد امر عمومی اداری قوه قضائیه، تائید ستره محکمه و منظوری رئیس آن صورت می گیرد.

تقرر و تبدل کارکنان اداری:

ماده شصت و یکم:

(۱) تقرر، تبدل، ترفیع، تمدید خدمت، تقاعد و رفع آن، اعطای موافقه و قبولی استعفای مامورین اداری قوه قضائیه در بست فوق و مافوق رتبه و اجیران قراردادی فوق درجه به اساس پیشنهاد رئیس ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور صورت می گیرد.

(۲) تقرر، تبدل، ترفیع، تمدید خدمت، تقاعد و رفع آن، اعطای موافقه و قبولی استعفای مامورین اداری رتبه یا بست اول و اجیران قراردادی درجه اول و یا پایینتر از آن به پیشنهاد امر عمومی اداری قوه قضائیه و منظوری رئیس ستره محکمه صورت می گیرد.

تقاعد قضات:

ماده شصت و دوم:

(۱) قاضی در حالات آتی متقاعد گردیده و دوباره به کار استخدام شده نمی تواند:

۱- در پایان (۴۰) سال خدمت بالفعل.

۲- معلولیت کلی دایمی و مریضی های دوامداریکه مانع اجرای وظیفه گردد.

۳- اکمال سن (۶۵) سالگی.

۴- سایر حالاتیکه در اسناد تقنینی پیش بینی گردیده است.

(۲) ستره محکمه می تواند، هنگام ضرورت دوام کار قضاتی را که به سن تقاعد مندرج جزء ۳ فقره (۱) این ماده رسیده اند و دارای دانش، تجارب علمی و مسلکی باشند، قبل از سوق به تقاعد به منظوری مقام ذیصلاح حد اکثر تا ده سال تمدید نماید.

منظوری دوام کار، هر سال تجدید می شود.

تبدیلی قضات:

ماده شصت و سوم:

(۱) قاضی قبل از سه سال تبدیل شده نمی تواند، مگر به اثر تقاضای خودش و ارائه دلایل مؤجه که طرف قناعت اداره واقع گردد.

(۲) تبدیلی قاضی طور عادی، هر سه سال یکبار در ماه حوت صورت گرفته و از آغاز سال بعد نافذ می گردد.

تقدیر نامه ها:

ماده شصت و چهارم:

(۱) تقدیر نامه درجه اول برای قضات و کارکنان اداری قوه قضائیه به اساس پیشنهاد رئیس ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور و یا مستقیماً توسط رئیس جمهور اعطاء می گردد.

(۲) تقدیر نامه درجه دوم و سوم، تحسین نامه و مکافات نقدی برای قضات و کارکنان اداری قوه قضائیه به اساس پیشنهاد امر عمومی اداری و منظوری رئیس ستره محکمه و یا مستقیماً از طرف رئیس ستره محکمه اعطاء می گردد.

تطبیق احکام قوانین کار و مامورین دولت:

ماده شصت و پنجم:

(۱) شرایط و حالات تقرر، تبدل، ترفیع، تمدید خدمت، تقاعد و رفع آن، اعطای موافقه، قبولی استعفاء رخصتی و سایر حقوق، امتیازات و مکلفیت های قضات و کارکنان اداری قوه قضائیه که در این قانون پیش بینی نگردیده باشد، طبق احکام قوانین کار و مامورین دولت و سایر اسناد تقنینی مرتبط به آن اجراء می گردد.

(۲) در ترفیع قضات علاوه بر شرایط اسناد تقنینی مندرج فقره (۱) این ماده، چگونگی فیصله های قضات نیز در نظر گرفته میشود.

امتیاز مسلکی:

ماده شصت و ششم:

برای قضات امتیاز کادر قضائی پرداخته میشود. امور مربوط به تثبیت درجه کادری، شرایط ارتقاء، و تعیین اندازه امتیاز کادری طبق سند تقنینی جدا گانه تنظیم می گردد. امتیاز کادر قضائی جزء معاش میباشد.

فصل ششم

مسئولیت جرائی و تأدیبی قضات

توقیف قاضی:

ماده شصت و هفتم:

(۱) قاضی را نمی توان بدون حکم رئیس جمهور گرفتار و یا توقیف نمود. حالات جرم مشهود از این حکم مستثنی است.

(۲) هر گاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم گردد، ستره محکمه مطابق حکم ماده یکصد و سی و سوم قانون اساسی اجراءات می دارد.

تأدیب قضات:

ماده شصت و هشتم:

تأدیب قضات مطابق مقرره خاصی که از طرف ستره محکمه تصویب می شود، صورت می گیرد.

فصل هفتم

احکام متفرقه

پذیرش مجدد قاضی مستعفی:

ماده شصت و نهم:

قاضی مستعفی در صورت مراجعه دوباره به اداره قضاء به عین رتبه زمان استعفا پذیرفته شده می تواند. حالات مندرج ماده شصت و دوم این قانون از این حکم مستثنی است.

لباس قضات:

ماده هفتادم:

قضات مکلف اند هنگام قضاوت به لباس مخصوصی که در لایحه مربوط پیش بینی شده است، ملبس باشند.

کارت هویت:

ماده هفتاد و یکم:

قضات دارای کارت هویت مخصوصی می باشند که شکل و محتوی آن از طرف ستاره محکمه ترتیب و تعیین می گردد.

داشتن مهر:

ماده هفتاد و دوم:

ستاره محکمه، محاکم استیناف و ابتدائیه، آمریت عمومی اداری قوه قضائیه و ادارات ثبت اسناد و وثایق هر یک دارای مهر مخصوص می باشند.

امنیت قضات و محاکم:

ماده هفتاد و سوم:

(۱) وزارت امور داخله و سایر مراجع ذیربط مکلف اند امنیت و حفاظت قضات و دفاتر مربوط و ادارات محاکم را تأمین نمایند.

(۲) مراجع مندرج فقره (۱) این ماده مکلف اند فیصله ها و قرار های قطعی محاکم را تطبیق نمایند.

معاش:

ماده هفتاد و چهارم:

اعضای ستره محکمه و مستشاران قضائی و قضات محاکم مطابق حکم ماده یکصد و پنجاه و پنجم قانون اساسی مستحق معاش مناسب بوده که اندازه آن در قانون مربوط تعیین می گردد.

ثبیت دارائی:

ماده هفتاد و پنجم:

قضات محاکم و مسئولین ثبت اسناد و وثایق مکلف اند قبل از اشغال وظیفه دارائی منقول و غیر منقول خویش را ثبت نمایند.

نشریه اختصاصی:

ماده هفتاد و ششم:

(۱) ستره محکمه دارای نشریه اختصاصی میباشد.

(۲) فیصله های قطعی محاکم به منظور تعمیم رویه و احد قضائی، تحقیق و تتبع طبق لزوم دید ستره محکمه تکثیر و نشر میگردد.

تاریخ انفاذ:

ماده هفتاد و هفتم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد. با انفاذ آن قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم منتشره جریده رسمی شماره (۷۳۹) مؤرخ (۱۱) حمل سال ۱۳۷۰ ه.ش و سایر احکام مغایر آن ملغی پنداشته میشود.